



حضور اهل کتاب در امت واحد پیامبر(ص)/ تقرب مذاهب سیاسی نیست

حجت الاسلام بی آزار شیرازی گفت: پیامبر اسلام(ص) در مدینه قانون اساسی ای را بر اساس قرآن کریم تحت عنوان امت واحد تدوین کردند که نه تنها مسلمانان در آن دخالت داشتند بلکه اهل کتاب هم در آن حضور داشتند.

حجت الاسلام بی آزار شیرازی گفت: پیامبر اسلام(ص) در مدینه قانون اساسی ای را بر اساس قرآن کریم تحت عنوان امت واحد تدوین کردند که نه تنها مسلمانان در آن دخالت داشتند بلکه اهل کتاب هم در آن حضور داشتند.

به گزارش خبرنگار مهر، مفهوم قرآنی «امت واحد» همچنان، مفهومی غریب در میان امت اسلامی است و هنوز این مفهوم نتوانسته است در جوامع اسلامی جامه عمل به تن بیوشد. بحرانهایی که در سالهای اخیر سرتاسر جهان و خصوصاً کشورهای اسلامی را در بر گرفته است، ناشی از فاصله افتادن میان ادیان الهی و مذاهب است و روز به روز شاهد این هستیم که استکبار جهانی با همراهی بعضی دولتها و حکومتها و نیز با سواستفاده از برخی تمایزات بین مذهبی درصدد ایجاد بحرانهایی جدید در سرتاسر جهان و به ویژه کشورهای اسلامی هستند تا بتوانند به مقاصد خود رسیده و با جلوگیری از نزدیک شدن مسلمانان به یکدیگر مانع تشکیل تمدن اسلامی شوند.

آنچه امروز در سوریه و عراق و لیبی و فلسطین و نیجریه و اخیراً نیز در یمن شاهد هستیم، گواهی بر این مدعاست که حرکت نکردن به سمت وحدت و امت واحد اسلامی، روزه روز جهان اسلام و مسلمان را با قطب بندی های بیشتر و نوین تری مواجه خواهد کرد. یک زمان موضوع قومی را جلوه می دهند و در زمان دیگر موضوع شیعه و سنی را پیش می کشند، اما در همه اینها به دنبال جلوگیری از تحقق ایده امت واحد هستند. البته بدیهی است که تحقق ایده امت واحد مستلزم تحقق دو امر پیشینی است، نخست بسط خودآگاهی انتقادی در درون اقوام و مذاهب جهت اصلاح تفکرات طایفه ای و تکفیر زدایی از آموزه ها و تعالیم درون قومی و درون مذهبی و در نتیجه شکل گیری نوعی ذهنیت فطرت محور بین مذهبی و دوم بسط تجربه زیست مشترک و ایجاد بستر وحدت عملی و تعاون و همکاری بین مذهبی و بین قومی.

«اتحادیه بین المللی امت واحد» از جمله تشکل هایی است که در این راستا اقداماتی مانند راه اندازی کاروان همبستگی با مردم غزه، کاروان صلح سوریه و سفر کاروان سرزمین برادری به مناطق سکونت اهل سنت را به انجام رسانده است. در میزگردی با عنوان «امت واحد» حجت الاسلام دکتر بی آزار شیرازی، رئیس سابق دانشگاه مذاهب اسلامی و مفسر قرآن، غلامرضا امامی، نویسنده و مترجم - که از جمله مدعوین و شرکت کنندگان در برنامه های نمادین اتحادیه بین المللی امت واحد بوده اند- و همچنین مجتبی احمدی عضو شورای مرکزی اتحادیه بین المللی امت واحد با خبرگزاری مهر به گفتگو نشسته اند که شما را به مطالعه آن دعوت می کنیم.

***تشکل اتحادیه بین المللی امت واحد به چه منظور و با چه اهدافی تشکیل شده و چرا این عنوان را برای آن برگزیدید؟**

مجتبی احمدی: واقعیت امر این است که ما از دوران دانشجویی قریب بر ۵ یا ۶ سال پیش از یک راه طی شده به این نقطه رسیدیم که تشکل های مردمی که بتوانند پیام انقلاب اسلامی را در فضای بین الملل منتشر کنند جایشان در مجموعه تشکل های مردمی و نظام خیلی خالی است. به همین خاطر اتحادیه بین المللی امت واحد از اسفند ماه ۸۸ با هدف سازماندهی ظرفیت های مردمی جهت نقش آفرینی در عرصه بین الملل تشکیل شد که الحمدالله در این سال ها تا حدودی موفق شدیم به اهدافی که از قبل طراحی کرده بودیم دست پیدا کنیم. مهمترین هدفمان این بود که این تشکل مردمی با سایر تشکل های مردمی در دنیا بتواند، اهداف مشترک تعریف کنند و بتوانند جامعه بین الملل را به هم نزدیکتر کند. لذا ما مجموعه فعالیت هایی در این چند سال با این هدف داشتیم که می توانیم از آنها یاد کنیم؛ کاروان همبستگی با مردم غزه در سال ۸۹ که مجموعاً از ۱۵ کشور آسیایی با شعار فلسطین مهمترین قربانی حقوق بشر معاصر در آن حضور داشتند که با نگاه های مختلف هم از نگاه دینی و غیر دینی و با نگاه های انسانی و حقوق بشری این ۱۵ کشور را در کنار هم گرد آورد.

بعد از آن کاروان جهانی بیت المقدس بود که با شعار قدس، شهری بین الادیانی است که نباید فقط صرفاً یک شهر یهودی باشد برگزار شد. آن کاروان هم یک کاروان بین المللی بود که بسیاری از جمله خود یهودیان در آن شرکت داشتند. با این شعار که بیت المقدس به جای اینکه پایتخت خشونت و جنگ باشد، باید پایتخت صلح و آرامش و امنیت برای دنیا باشد.

بعد از آن هم مجموعه فعالیت های بشر دوستانه با این هدف را داشته ایم که بتوانیم تألیف قلبی در کشور ایجاد شود. کشورهای سومالی، پاکستان، میانمار، سوریه و همچنین نوار غزه و نقاطی که می توانستیم طرح مشترکی با سایر تشکل های بین المللی داشته باشیم و اقدام مشترک طراحی کنیم. کاروان زائران صلح سوریه هم با این هدف بود که نشان دهیم ابعاد فاجعه سوریه خیلی از آن چیزی که تصور می شود بیشتر بود. حجم آوارگی و یتیمی و بی سرپرستی و... که ما با شعار زائران صلح گفتیم که با این همه حجم خشونت و جنگ کسی هم باید از صلح صحبت کند که در فرودین ماه سال ۹۳، حرکت کاروان زائران صلح برگزار شد.

بعد از این کار هم، ما در داخل کاروانی با عنوان سرزمین برادری طراحی کردیم تا واقعاً فضای برادری و الفت در داخل یک بازنمودی در فضای بین الملل پیدا کند و هم فضای بین الملل این را ببیند و هم واقعاً ما با تشکل مردمی مان جدا از نگاه های

سیاسی و نگاه هایی که شاید حزبی و گروهی و جناحی باشد، سعی کردیم یک حرکت مردمی برای تألیف قلوب اهل سنت و شیعیان طراحی کنیم که به حمدلله در ۳ استان آن را اجرا کردیم.

*آقای دکتر بی آزار شیرازی! شما به عنوان یکی از مدعوین برنامه های این تشکل در ابتدا یک ارزیابی کلی از این فعالیت ها داشته باشید و درباره ضرورت چنین برنامه هایی برای ما بگویید.

بی آزار شیرازی: من این دومین برنامه بود که در خدمت دوستان بودم. برنامه اول در شهر مقدس مشهد بود که یک برنامه آموزشی بود و سخنرانی من هم در آنجا منتشر شد. یک برنامه هم که در کردستان در خدمت دوستان بودم. من راجع به اصل و اساس اتحادیه امت واحده باید عرض کنم که از هنگامی که پیامبر عظیم الشان اسلام به مدینه مهاجرت کردند، قانون اساسی ای را بر اساس قرآن کریم تحت عنوان امت واحده تدوین کردند. این امت واحده را یک پروفیسور آلمانی به نام ول هوزن به صورت یک کتاب درآورده است. ایشان دسته بندی این اساسنامه امت واحده را در ۴۷ ماده دسته بندی کرده و بسیار زیبا آورده است و تک تک آنها را توضیح داده و در آنجا نوشته که این اولین قانون اساسی است که در جهان نوشته شده است.

می بینید که نه تنها مسلمانان در آن دخالت داشتند بلکه اهل کتاب هم در این امت واحده حضور دارند و موادی را پیغمبر اکرم در این امت واحده گنجانده اند که مربوط به مسیحیان و یهودیان و خلاصه اهل کتاب می شود. جالب این است که چند سال پیش جمعی از یهودی های آمریکا با لباس مخصوص خودشان به ایران آمده بودند و این در زمانی بود که من رئیس دانشگاه مذاهب بودم. آنها به دانشگاه ما و به دیدن من هم آمدند، گفتند که ما در آمریکا مشکلمان این است که به شدت تبلیغ می شود که ایرانیان ضد یهوداند، به آنها گفتم که نه ما ضد یهود نیستیم، بلکه ما ضد صهیونیسم هستیم. آنها در جواب گفتند که ما هم ضد صهیونیسم هستیم و به شدت با آنها مخالفیم. ما هم مرتب در آمریکا شعار می دهیم که این صهیونیست ها نمی بایست به سرزمین قدس بروند، پیامبران ما بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین را ممنوع کردند و اینها اصلاً نمی بایست به آنجا می رفتند.

در جواب آنها گفتم که ما هم غیر از این چیزی نداریم ما هم ضد یهود نیستیم. به دلیل اینکه در زمان کوروش تا به حال ایران امن ترین جا برای یهود و مسیحیت بوده است. آرامنه و اهل کتاب در هیچ کجای دنیا اینچنین آرامشی را ندارند. گفتند ما چگونه این مطلب را در آمریکا منعکس کنیم. به آنها گفتم که دلیل روشن برایتان می آورم. در همین ایران، ما قبر ۱۵ تا از پیامبران بنی اسرائیل را داریم که در اینجا مدفون هستند و جالب تر اینکه اینها هم زیارت گاه مسلمانان اند و هم یهودیان. آدرس آنها را به آنها دادم که از تعجب همه مبهوت مانده بودند. نمونه آن دانیال نبی در شوش و چند قبر دیگر در قزوین و ... که در این باره کتابی تحت عنوان جغرافیای تاریخی و باستان شناسی پیامبران و قرآن نوشته ام و آن کتاب را به آنها دادم و مترجمی که همراهشان بود آن را برایشان ترجمه کرد. این تجربه برای آنها بسیار جالب بود و آن کتاب را در آمریکا منتشر کردند.

نکته دیگر اینکه این سرزمین قدس متعلق به ادیان آسمانی است و تا قبل از اینکه صهیونیست ها به آنجا بیایند به دست مسلمانان بوده و در آنجا به خوبی از سایر ادیان پذیرایی می کردند و سایر ادیان هم در آنجا پایگاه های خوبی داشتند و افرادی که در آنجا بودند زندگی های خوبی داشتند. از زمانی که انگلیس آمد و صهیونیسم را به آنجا آورد یک چنین وضعیتی را به وجود آورد. الان متأسفانه در آنجا مسلمانان را به صورت یک کشور مستقل حاضر نیستند بپذیرند و معتقدند که اگر مستقل بشوند ما یک کشور در مقابل خودمان به وجود می آوریم. از طرفی دیگر حاضر نیستند که آنها را به عنوان شهروند خودشان نیز بپذیرند. همچنانکه در گذشته زمانی که در دست مسلمانان بود همه در کنار هم به خوبی زندگی می کردند. معتقدند که همیشه ما باید اینها را در یک حالت نه حیات نه ممات، نگه داریم. این مسئله ای است که بسیاری از یهودیان ساکن فلسطین هم از این بابت ناراضی هستند و می گویند که ما در اینجا اصلاً هیچگونه امنیتی نداریم. یا اینها را مستقل کنید یا اینکه شهروند خودتان بکنید.

این تشکل، اول اینکه اساسش امت واحده است که اساس حکومت پیامبر اکرم بوده است و دیگر اینکه نه تنها مسلمانان بلکه حتی غیر مسلمانان را مورد توجه قرار داده است. همانطور که بعد از پیامبر اکرم هم حضرت علی(ع) وقتی قانون اساسی مصر را تدوین کردند و به مالک اشتر دادند، گفتند؛ این مردم مصر یا برادر دینی ات هستند یا هم نوع شما، پس سعی کن با همه مهربان باشی. حضرت امیر به مالک اشتر نگفت که مردم یا شیعه هستند یا سنی و توصیه نکرد که با شیعیان خوش رفتاری کن و با سنی ها بدرفتاری. یا اینکه مسلمان و غیر مسلمان را از هم جدا کرده باشد و بگوید غیر مسلمانان را آزار و اذیت کن. اینگونه نیست. این یک نکته اساسی است که اینها تشکیل دادند و نکته مهم دیگر این است که این دوستان یک تشکل مردمی و غیر دولتی تشکیل داده اند.

نکته دومی که این تشکل دارد این است که مسئله آن بین الادیانی است. یعنی تنها در مورد اختلاف بین شیعه و سنی که قرن ها است که استعمارگران شبانه روز برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان کار می کنند، محدود نمی شود. آنها تلاش می کنند حتی بین ادیان تفرقه بیندازند.

در قم چند هفته گذشته متعاقب سخنرانی ام در مشهد از بنده دعوت کردند که درمورد حضرت زهرا(س) بحث کنم که البته این بحث را من در جلسه اول در مشهد داشتم. انتظار نداشتم که تا این اندازه تأثیر گذاشته باشد. در قم سالن پر شد از طلاب چه زن و مرد. حتی از کانال های ماهواه ای هم که شبانه روز مبلغ تفرقه هستند هم آمده بودند. من در آنجا توضیح دادم که پیامبر فرموده است؛ فاطمه بضعه پیامبر است. خیلی ها این را به فاطمه پاره تن من است، ترجمه می کنند. در صورتیکه همه دخترها و پسرها پاره تن پدرانشان هستند. منظور پیغمبر چیز دیگری است، منظور این است که فاطمه پاره وجود من است. پاره

روح و جسم هر دو است و نه تنها پاره تن. عنوان بحث من این بود البته آنها عنوانش را فاطمه زهرا(س) در برخورد با خلفا گذاشته بودند. در آنجا گفتند که فاطمه(ص) پاره ای از وجود پیامبر اکرم بوده است و درست است که در مسئله فدک اختلاف نظری داشتند که طبیعی است. اما فاطمه زهرا(س) و علی(ع) این را وسیله ای برای تفرقه بین مسلمانان نکردند. بلکه ایشان در خطبه تاریخی که بیان کردند فرمودند: فلسفه امامت برای این است که به ملت نظم بدهد و مردم تفرقه هایشان را به اتحاد تبدیل کنند و جلوی این افتراق ها را بگیرد.

آیا این درست است که در عربستان مسئله توحید را که باید منشأ توحید مردم باشد به تفرقه میان مردم تبدیل کرده اند و در اینجا هم که می بایستی امامت از تفرقه جلوگیری کند، آن را وسیله تفرقه کرده ایم؟ آیا این درست است؟ گفتم درست است این مسئله فدک را پیش آوردند اما ما در قرآن می بینیم که چگونه برادران یوسف، یوسف را در چاه انداختند اما خداوند حضرت یوسف را از عمق چاه درآورد و به اوج ماه رسانید. می گویند که بعد از اینکه حضرت یوسف به مصر آمد حضرت یعقوب به ایشان گفت پسر من بگو ببینم برادرانت با تو چه کار کردند؟ حضرت یوسف در جواب پدر گفت یا ابی از این نپرس، بپرس ببین خداوند چه لطفی در حق من کرده است. فاطمه زهرا(س) و حضرت علی(ع) مسئله فدک را می توانستند عامل تفرقه مسلمانان بکنند اما این کار را نکردند و دو امپراتوری که مسلمانان فتح می کنند به برکت وحدتی بود که فاطمه زهرا(س) و حضرت امیر(ع) ایجاد کردند.

امامت حضرت امیر به جای اینکه موجب تفرقه و جنگ داخلی شود، باعث شد که اسلام به تمام نقاط دنیا صادر شود. در آنجا من نقشه اسلام در آن زمان و امپراتوری اسلامی را نشان دادم که از شمال و جنوب و شرق و غرب تا کجا گسترده می شود. اگر در زمان حضرت امیر(ع) و امام حسن مجتبی(ع) این همه اسلام گسترش می یابد به برکت حفظ وحدتی بود که حضرت زهرا(س) و حضرت امیر(ع) به پا کردند. در صورتیکه آنها می توانستند بساط اینها را به هم بریزند و یک جنگ داخلی پیش بیاید. یکی از اشکالات مهم در این جلسه این بود که می گفتند که چرا حضرت امیر وقتی به خلافت رسیدند فدک را برنگرداندند؟ توضیح دادم که فدک آنقدر توسعه یافته بود که نقشه آن را الان می بینید. فدک خیلی وسعت پیدا کرده بود. همچنانکه حضرت یوسف از عمق چاه به اوج ماه رسیده بود. تمام مصر متعلق به حضرت یوسف شده بود. در زمان امام موسی کاظم(ع) داستان را شنیده اید که هارون الرشید گفت که حدود فدک را برای ما مشخص کنید، من دستور می دهم که آن را به شما برگردانند.

امام موسی کاظم(ع) فرمودند این چنین کاری لازم نیست. امام موسی کاظم(ع) در جواب گفت که حدود فدک همان نقشه ای است که در زمان حضرت امیر(ع) گسترش پیدا کرده است. امام موسی کاظم(ع) به هارون الرشید می فرماید ما بر قلب های مردم حکومت می کنیم شما بر دارایی های آنها. خلاصه گفتم که حضرت امیر(ع) وقتی به حکومت رسید بر اساس آن سیاست و تدبیری که فاطمه زهرا(س) هم بیان کردند به جای ایجاد تفرقه، اینچنین وحدت را حفظ کردند و باعث شدند که مسلمانان این همه فتوحات داشته باشند.

متأسفانه خیلی ها هستند که دم از وحدت و تقریب می زنند اما می گویند که من منظوم سیاسی است در صورتیکه امام(ره) و مقام رهبری می گویند که این تاکتیکی نیست و این استراتژی است. اصلاً به فرض اینکه شما بگویید این سیاست اسلام است، اسلام با سیاستش جدا نیست و اینکه برخی ها فکر می کنند که این مسئله وحدت و تقریب یعنی اینکه ما وقتی به اهل سنت رسیدیم ظاهراً اظهار دوستی کنیم و در پشت سر به اینها فحش و لعن و ناسزا بگوییم. اینچنین نیست که برخی ها می پندارند و همه خوب متوجه اند چه کسی صادقانه سخن می گوید و چه کسانی منافقانه دم از تقریب می زنند و همیشه آن دوستی که صادقانه باشد موثر است.

آیت الله بروجردی صادقانه با علمای الازهر مصر مسئله وحدت را بیان کردند و نتیجه این شد که وقتی آیت الله بروجردی کتاب مجمع البیان را برای علمای الازهر فرستادند علمای الازهر عجیب تحت تأثیر قرار گرفتند و دیدند که در این کتاب نظریات همه بیان شده و هیچ توهینی به مقدسات اهل سنت نشده است و تفسیر ایشان، بسیار عالمانه و مودبانه است. شیخ بزرگ الازهر استاد شیخ محمود شلتوت، یعنی شیخ سلیم مقدمه کوتاهی بر این تفسیر نوشت و در آن نوشت که من این را به عنوان بهترین تفسیر جهان اسلام توصیه می کنم که در مصر چاپ شود. این کتاب با پاورقی چند نفر از شخصیت های بزرگ مصر مانند فرزند شیخ محمد عبده به صورت نفیس چاپ شد.

کتاب های دیگری مانند شرح لمعه چاپ شد که در پی آن، آنها پی به عظمت فقه اهل بیت بردند و وقتی به این مسائل پی بردند فتوای شیخ محمد را به تمام دنیا صادر کردند که تمام مسلمانان دنیا می توانند از فقه شیعه پیروی کنند. ثمره این فتوای تاریخ شیخ محمد شلتوت چه شد؟ آمدند تمام قوانین مدنی مصر را بازنگری کردند و به عنوان فقه مقارن که در میان فقه مقارن، فقه شیعه هم در آن بود، اساس کارشان را بر این گذاشتند و گفتند که ما نگاه می کنیم که هر کدام از این قوانین با دلیل بود و هر کدام از این مذاهب اسلامی دلیلش قوی تر بود آن را می گیریم. حدود ۵۰ قانون از قوانین کشورهای اسلامی تغییر پیدا کرد و مطابق فقه شیعه شد. بنده در این مورد مقاله ای تهیه کردم که در قم چاپ شده است که مستند قوانینی که تغییر پیدا کرده است در حدود ۲۰ تا از آنها را من در آنجا ذکر کرده ام و بیان کرده ام که تا چه زمانی مطابق با فقه حنفی بوده و تا چه زمانی مطابق فقه شیعی شده است.

ببینید اگر صادقانه رفتار کنیم نتیجه خواهیم گرفت. اما اگر منافقانه رفتار کنیم داعش و طالبان که نتیجه عملکرد بد ما است، پدید می آید. داعشی ها معتقدند باید اصلاً تمام شیعه را از بین برد و آنها را قتل عام کرد. ببینید ما به کجا رسیدیم؟ آیا واقعا ائمه برای همین مسائل آمدند؟ آیا آمدند که الگوی اخلاق برای ما بشوند. در گذشته به ویژه ایران یک مرکزی برای فتوت و

جوانمردی بود. برای ایثار و مسلمانان در کشورهای اسلامی افتخارشان این بود که ما این جلسات و تشکیلات را به راه انداختیم که متعلق به اخلاقیات اهل بیت شویم. اخلاق فتوت و جوانمردی که اصل و اساس آن را پیغمبر و علی ابن ابیطالب قرار داده اند. اینها اصلاً همه را متأسفانه کنار گذاشته ایم و به مسائل اختلافی چسبیده ایم. نتیجه آن هم این شده است که هر روز شما درباره اختلاس و این همه بد اخلاقی ها می شنوید. در زمان انتخابات هم که می بینیم که چگونه همدیگر را لجن مال می کنیم. آیا اینها اخلاق پیغمبر و اهل بیت است؟ خلاصه این بحثها را من در حوزه علمیه قم بیان کردم که خدا را شکر اثرات بسیار خوبی گذاشت.

***جناب احمدی! به هر حال شما چند برنامه را برگزار کرده اید. چه بازخوردهایی از این برنامه ها چه در خارج از کشور و چه داخل کشور گرفته اید؟**

احمدی: واقعیت امر این است که ما هم فکر نمی کردیم که تا این حد کشش و جذابیت وجود داشته باشد. البته در هر سه استانی که سفر کاروان سرزمین برادری به آنها انجام شد استقبال خوبی صورت گرفت و جالب این است که دیدیم تصویری که همه از هم داشتند چقدر تصویر غلط و اشتباهی است. یعنی هم نخبگان اهل سنت باورشان نمی شد که طلبه ای از حوزه علمیه قم بیاید و در زاهدان تا این حد معتقد به وحدت باشد. یعنی آنها احساس می کنند که شیعه و همه تشیع، بحث های اختلافی و به اصطلاح، تخصصی است اما دیدند که همچنین طلبه ای هم وجود دارد. پس می شود در مسیر وحدت هم حرکت کرد.

این حرکت یک فضایی ایجاد کرد که ذهنیت ها نسبت به هم آگاه و روشن شود و یک امیدی را برای این ایجاد کند که اگر ما حرکتمان را همان طور که حاج آقای بی آزار فرمودند، خالصانه و بدون منفعت های سیاسی و حزبی و ... طراحی کنیم، اتفاقاتی خواهد افتاد که دیگر شبیه ادا جاء نصرالله یعنی پشت بند این نصرت الهی می آید که احساس می کنیم که راه اصلاح هزار و چهارصد سال تفرقه را می توانیم در این چند سال طی کنیم. این واقعاً یک امید و انگیزه ای ایجاد کرده است که جدای از این دعاها واقعاً فطرت انسان به دنبال وحدت و مهرورزی و اخلاق است. آن غضب و خشم و غریزه مان هم تا یک جایی می تواند پیشروی کند، لذا به نظر می آید که این کاروان یک فتح بابی بود برای اینکه ببینم اگر مسیر وحدت را خالصانه طی کنیم، خیلی سریعتر به آن اخلاق نبوی و فضای رحمتی که مبتنی بر اخلاق نبوی شکل می گیرد می توانیم یک راه چند قرنی را حداکثر طی چند دهه برویم.

***چیزی که من از فرمایش شما فهمیدم و به ویژه آقای احمدی این است که گویا این اختلافات بیشتر در حوزه نخبه گان و حوزه های علمیه است و در سطح عامه مردم این شکاف اینقدرها بحرانی نیست و مردم خیلی مسالمت آمیز با هم دارند زندگی می کنند. آیا این اختلاف فقط در بین علماست یا در سطح جامعه هم وجود دارد؟**

بی آزار شیرازی: ببینید حضرت امیر(ع) می گوید همه شما با هم برادرید. در تمام جوامع عده ای عباد الرحمانند، یعنی بنده های خدا هستند و یک عده ای بنده های شیطان و نفسشان هستند و خبت باطن دارند و اینها مدام غیبت از دیگران می کنند. می خواهند بگویند که من از دیگران برترم. ظاهراً نمی توانند بگویند که من برترم می گویند که دیگران بد هستند، پس نتیجه این است که من خوبم. ببینید این مسئله در میان ملیت ها هم بروز می کند و برای یکدیگر جوک درست می کنند، می خواهند چه بگویند؟ می خواهند بگویند که دیگران ابله و نادان اند و فقط من برترم این به خاطر روحیه شیطانی اینهاست. دین الهی چه می گوید؟ هیچ قومی نمی تواند دیگری را مسخره کند، چه بسا که آنها بهتر از شما باشند.

در میان مذهبی ها بدین صورت است که دین آسمانی را کنار گذاشتند و سراغ فرقه گرایی رفتند. ماهواره هایی را از دست استعمار گرفته اند و یک مشت مهملاتی را از لابه لای کتاب ها گرفته اند و آن را بزرگ می کنند و یک مفهوم شرک آمیز از آن در می آورند که فلانی در فلان جلد از کتابش چنین چیزی را گفته که معنای شرک می دهد و معنای کفر می دهد و همه کافرند و چون اینها کافرند پس ما برحقیم. پس انا خیر منه، اما قرآن چه می گوید؟ کتاب آسمانی می گوید: اصلاً این فرقه گرایی یعنی شرک. یکی از سخنان این دین های زمینی این است که همه به جهنم می روند و فقط ما به بهشت می رویم. بهشت و دوزخ را بین خودشان تقسیم کرده اند. یهودیان می گویند جز یهودیان به بهشت نمی روند و مسیحیان هم می گویند که بهشت جای مسیحیان است. قرآن می گوید که اینها را از کجا درآوردید. خداوند هنوز ترازویش را نصب نکرده است که مشخص شود که چه کسی بهشتی و چه کسی جهنمی است. هر کسی که مطیع فرمان خدا باشد و عملش صالح باشد به بهشت می رود. اما ما می گوئیم فقط فرقه من به بهشت می رود و بقیه همه به جهنم می روند.

شما ببیند در مناطقی که شیعه و سنی با هم هستند، کنار هم دارند زندگی می کنند و با هم ازدواج می کنند و با هم مراوده دارند. بنده در همین تالش رفتم که هم شیعه و سنی وجود دارد. در یک خانواده ای که یکی از شاگردانم در آنجا بود در آنجا مادرش به استقبال ما آمد در صورتیکه سنی بود. خطاب به من گفت این دختر من را می بینید من این را شیعه کردم. گفت مریض شده بود و من نذر کردم که این خوب بشود، بعد من شیعه اش کردم و الان در دبیرستان دارد درس های شیعه را می خواند. این خیلی جالب است. مردم به دلیل فطرت پاکشان به دنبال این چیزها نیستند. ما متأسفانه به آنها تلقین می کنیم. در صورتیکه این کلمه شیعه و سنی در اصل خوب است، اما در مقابل هم قرار دادن اینها غلط است. شیعه به معنای پیروی اهل بیت است و سنی هم یعنی کسانی که پیرو سنت پیغمبرند. حالا شما کدام مسلمان را در دنیا پیدا می کنید که بگوید من پیرو سنت پیغمبر نیستم؟ یا کدام شیعه است که بگوید من سنت پیغمبر را قبول ندارم؟! کدام اهل سنت است که بگوید من اهل بیت پیغمبر را قبول ندارم؟ همه مسلمانان جهان می گویند ما هم اهل بیت پیغمبر را قبول داریم و هم اینکه پیرو سنت پیغمبر هستیم.

این ها در واقع یکی هستند. متأسفانه از زمان اواخر دوره خلافت عباسی این دو کلمه را در مقابل هم قرار دادند و گفتند این

دسته شیعه و این دسته سنی است و اسلام را بین خودشان تقسیم کردند. خیلی از این چیزها را ما برای مقابله با هم باب کرده ایم و آورده ایم. والا می بینید که مسائل اصلی یکی هستند، ما در اصول همه یکی هستیم. در فروعات است که اختلاف نظرهایی داریم. در هر کدام از مذاهب هم اختلافاتی وجود دارد. چه اشکالی دارد که با هم اختلاف نظر دارند؟ ببینید اصل یکی است؛ ایمان به خدا، ایمان به آخرت، ایمان به نبوت، نماز و روزه هم یکی است. بنابراین اختلافی نداریم و این اختلافات را این خبث باطن ما به وجود آورده است.

بنابراین چرا ما مسائلی که هیچ کدام از مسلمانان کنونی اصلاً نقشی در آنها نداشته اند را دامن می زنیم؟ این نتیجه خبث باطن برخی از ما و بعضی از آنها است که مشکل ایجاد می کند. یکی از خصوصیات دین زمینی، جزئی بینی و کلی گویی است. به فرض مثال یکی می آید و می گوید همه اینها بدند. قرآن می گوید نه حتی اهل کتاب همه بد نیستند، بعضی از اینها بد نیستند بعضی ها نماز شب می خوانند، بعضی از اهل کتاب امانت دارند. دین آسمانی به ما می آموزد که نباید جزئی بین و کلی گو باشیم. آنی که واقعاً دشمن اهل بیت است بگوییم بد و آنی که دوستار اهل بیت است خوب است.

من جلسه ای در عربستان با معاون مفتی عربستان داشتم به او گفتم که شما چرا شیعه را مشرک می دانید؟ گفت چون اینها خدایشان علی است، قرآن شان مصحف فاطمه است، حشاشان کربلا و نجف است، کعبه شان هم مهران است و دروغ گفتن را هم واجب می دانند، زنا کردن را هم با عنوان صیغه مستحب می دانند. گفتم شما بگویید که هر کسی این صفات را دارد مشرک است. چرا که ما هم همین نظر را داریم و در کتاب های ما هم آمده است که هر کسی در مورد ائمه غلو کند، در تمام رساله های مراجع آمده است که این شخص نجس است. از ارث محروم است و اصلاً کافر است و مسلمان نیست. گفتند که ما ندیده ایم. کتابی را به او دادم نظرش برگشت. گفت که ما واقعاً تصور می کردیم که شیعیان اینگونه هستند. ببیند این تصویری است که در ذهن اینها به وجود آمده است که موجب نزاع شده است. این تقصیر کسانی است که این را در ذهن اینها کرده اند. این اختلافات زائیده ذهن درون بد ماست. این سرزمین برادری که درست می کنند و آن هم توسط خود مردم، که امتیاز بزرگ آن است. اینهایی که عباد الرحمن هستند و این کارها را می خواهند انجام دهند، اینها خیلی خوب است. این عباد الرحمن بدانید که در میان اهل سنت، مسیحیان، یهودیان و... هم هستند و ما بایستی برویم و اینها را دور هم جمع کنیم و بیاییم امت واحده را همچنان که پیغمبر اکرم(ص) تشکیل دادند تشکیل بدهیم.

البته کسانی هم هستند که دشمن خدا و پیغمبر و پیرو شیطان نفس اند؛ آنها حسابشان جداست. پس همه بدند؟ این صدصد غلط است و برعکس کسانی که می گویند تمام شیعیان بدند این هم غلط است. باید برویم و یکدیگر را به هم معرفی کنیم.

*جناب امامی شما یکی از مدعوین سفر به گلستان بودید. می خواهم سوال کنم که تجربه خاصی اگر دارید بفرمایید. به هر حال ره توشه آن برنامه چه بود و به نظر شما این برنامه چگونه بود؟

غلامرضا امامی: این سفر برای من بسیار خیال انگیز بود به خاطر اینکه دوستان وقتی به من گفتند که یکی از استان ها را انتخاب کنید من به خاطر اینکه کردستان و سیستان و بلوچستان را رفته بودم اما توفیق نداشتم که استان گلستان را تجربه کنم این توفیق نصیبم شد. تصور نمی کردم که به این اندازه شاهد دوستی، اخوت و وحدت باشم. من در استان گلستان کلمه شیعه و سنی را نشنیدم. کلمه فارس و ترکمن در آن استان به چشم می خورد و نشان می داد، مانند کاشی های اصفهان، مانند رنگین کمانی که گاهی در آسمان ایران هست، این مذاهب و قوم های مختلف در کنار هم زندگی می کنند و یک فرهنگ رنگانگ می سازند.

همان طور که ترکمن ها در کنار فارس ها بودند، من شنیده ام که در برخی مناطق این استان مسیحیان هم هستند. این ها برای من امید بخش بود. در بین راه که می آمدم یکی از مسئولان کاروان، آقای رحیمی؛ گفت که دفتر ما در خیابان رشت است به او گفتم قبل از انقلاب منزل علامه محمد تقی قمی که موسسه دارالتقرب بودند نیز در خیابان رشت بود. ایشان بانی وحدت در جهان اسلام بودند و همین باعث شد که کتب دارالتقرب را به عربی ترجمه کنند. حالا بعد از ۴۰ سال در خیابان رشت این جمعیت امت واحده به وجود آمده است.

شاید این دوستان هم خبر نداشتند شاید آن بذری پاک که آن مرد بزرگ ریخت که البته با کمک و همکاری آیت الله بروجردی و آن فتوای تاریخی که شیخ شلتوت صادر کرد که من آن زمان یک نوجوان بودم و محمد قمی ما را با آنها آشنا کرد امروزه باز دارد جواب می دهد. با این تصویری که بعد از سال ها داشتم فکر می کردم که دعاها بین شیعه و سنی وجود دارد. بخشی زیادی از عمرم را در اروپا گذرانده ام و وضعیتی که الان در اروپا به وجود آمده است که اصلاً در آن مرزی وجود ندارد را دیده ام. مرزها را بشر به وجود می آورد، طبیعت که مرزی را به وجود نمی آورد. شما در اروپا می بینید که یک شهر متعلق به کشوری است خیابان یا شهر دیگری متعلق به کشور دیگری و گوناگونی زبانهای مختلف را در آنجا دارید. به فرض مثال در سوئد سه زبان وجود دارد. اما اتحاد را به وجود آوردند. در یک کشوری که همه ایرانی هستند و هویت ما ایرانی است اصلاً این جدایی ها مفهومی ندارد. در کشوری که ما زندگی می کنیم همین گوناگونی ها و اقوام مختلف و رنگ های مختلف هویت ما را تشکیل می دهند. حالا در کشورهای دیگر ما شاهد یکپارچگی و وحدت هستیم در صورتیکه در اینجا بحث ما بحث شیعه و سنی است که مال ۱۴۰۰ سال پیش است که برخی آنها افسانه است و واقعیت تاریخی هم ندارد.

در این زمینه با خودم فکر می کنم و گفته ام که با فحش و ... هیچ کس از عقیده خودش بر نمی گردد. چه بسا سمج تر هم می شود. چه آنهایی که به مقدسات اهل سنت توهین می کنند و چه آنهایی که به شیعیان توهین می کنند باید بدانند هیچ گاه فحش و دشنام کسی را از عقیده اش برنگردانده است. به هر حال این سفر خیلی خوبی بود و من خیلی خوشحال شدم. در بندر

ترکمن آقای عابد که مفسر قرآن است در آنجا به نیکی از آقای نورمفیدی یاد کرد و گفت که از محبت ایشان است که ما را اینجا جمع کرده است. امیدوارم این کارها دوام بیابد. گاهی این برنامه های ماهواره ای را که می بینم برایم سخت است که ما با این سابقه تفکری از کجا به کجا رسیده ایم. فحاشی دو طرفه را به مقدسات هم می بینیم و در نهایت چه چیزی نصیب ما می شود؟ نتیجه آن می شود که گروه هایی مانند داعش و القاعده به وجود می آیند.

یک نفر برای من می گفت که یک داعشی را دستگیر کرده بودند در پاسخ به این سوال که بعد از آزادی چه کار می کنی؟ گفته بود که باز هم شیعه می کشم. یا در یکی از شهرهایی که رفته بودیم من می خواستم چای بخرم یکی که همراهان بود گفت از این چای فروشنده اش سنی است. من گفتم که من چای خوب می خواهم، مهم نیست هر کسی می خواهد باشد. مسلمان یا مسیحی، سنی یا شیعه برایم فرقی نمی کند.

یعنی تا این اندازه جبهه گیری در یک شهر وجود دارد. من گفتم که من اگر بروم و از یک شیعه چای خوب نخرم چه حسنی دارد؟ در آنجا برعکس آن وفاقی که در استان گلستان است و آن همبستگی را من حس کردم البته من نمی خواهم این را به همه تعمیم دهم. اما این وفای و همبستگی در سیستان و بلوچستان کمتر مشهود بود. اما خیلی خوشحال شدم و از نظر مردم شناسی برایم جالب بود که هرچند ربطی به وحدت هم ندارد، اما قوم ترکمن هویت خودش را حفظ کرده است. باعث نشده بود که در این کشوری که نظام دینی بر آن حکومت می کند هویت قوم ترکمن مضمحل شود. کسانی گمان نکنند که افرادی اگر به آیینی مانند اسلام می گرایند باعث می شود که هویت هایشان از بین برود. شما وقتی که در نهایت قرآن می خوانید می گوید و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا خود قرآن هم این تکتار را قبول دارد.

بیشتر خوشحال شدم که هویت قوم ترکمن بر دوش بانوان آن است، یعنی بانوان ترکمن با آن روسری زیبای رنگین با رنگ های شاد که داشتند که در اقوام دیگر شما آن را کمتر می بینید. با پوشش مناسبی که داشتند پیام آور این هویت ایرانی اسلامی بودند.

من در این استان مرد نیکوکاری دیدم که بیمارستانی به نام رسول اعظم ساخته بود، البته زمین آن را داده بود و این بیمارستان را برای همه چه شیعه و چه سنی وقف کرده بود و بعد به من می گفتند ما برای کارهای فرهنگی هر زمانی به ایشان مراجعه می کنیم ایشان کمک می کند و گفت که هر کاری از دستم برآید انجام می دهم و جالب این بود که هیچ وابستگی سیاسی هم نداشت. در جایی دیگر شکوهی از نماز جمعه آنها دیدم و حضورشان در نماز جمعه جالب توجه بود که معمولاً لباس ها سفید و کلاه سفید پوشیده بودند و جمعیت زیادی متشکل از سنی و شیعه در آنجا به صورت بسیار منظم بودند که من به شخصه لذت بردم.

ما در مسئله وحدت که آقای بی آزار هم به آن اشاره کرد خلوت و جلوتمان باید یکی باشد. به خودمان دروغ نباید بگویم یعنی اگر به وحدت اعتقاد داریم نباید ریا کار باشیم. همانطور که دیدیم که برادران دست اندرکار این تشکل درکارشان صادق بودند. در این سفر من با یکی از افراد اهل تسنن برخورد کردم که خانه خود را مسجد کرده بود و خودش در قسمت کوچکی از آن زندگی می کرد. دیدار دیگری با مادر یک شهید داشتیم. امیدوارم که این سخنان و دشنام گویی و ... که گاهی بر زبانها می آید و این جشن های فاجعه انگیز که بعضاً در شهرهای ما اتفاق می افتد و این توهین ها از بین برود. سزاوار یک مسلمان نیست که از زبان دشنام، آن هم به مقدسات دیگری خارج شود. اینگونه حرکت های فرهنگی می تواند در کم کردن اینها کمک کند. چرا که یک کار فرهنگی است و می تواند ماندگار باشد چرا که مانند کار سیاسی نیست که با تغییر رهبران سیاسی شگردهای آنها هم تغییر کند. اما کار فرهنگی یک چشمه جوشان است که بر قلب ها نفوذ می کند و قلب ها را حرکت می دهد.

***راهکارهایی که خودتان دارید برای توسعه این جور کارها چیست؟ اقداماتی مانند اقدامات اتحادیه بین المللی امت واحده که یک تشکل مردمی و غیر دولتی است چگونه می تواند توسعه پیدا کند؟**

غلامرضا امامی: من راهکار و توصیه های عملی را موثر می دانم. نشر جزوه، عکس و شعارهای تبلیغی را موثر نمی دانم. یعنی نمی خواهم بگویم که موثر نیست و تأثیر ندارد، اما وجود افرادی مانند آقای نورمفیدی را در استان گلستان یک غنیمت می دانم. شما می دانید که ایشان عالم بزرگ این استان است و ایشان باعث این همدلی و همبستگی است. این یک نمونه عملی است. خود پیغمبر(ص) وقتی که به رسالت مبعوث شد، مگر چند درصد از مردم با سواد بودند؟ ۴ یا ۵ تا باسواد بودند در آن زمان نمونه های عینی و عملی را دیدند، برخورد پیغمبر را با صحابه دیدند. من به نمونه های عملی اعتقاد دارم و اعتقاد دارم که وقتی از درون خود مردم این نمونه های عملی و عینی باشد، کاربرد خودش را خواهد داشت.

به نظرم تبلیغ بیش از حد یک چیز نتیجه منفی می دهد. شما ببینید وقتی صدا و سیما متأسفانه اشعاری را پخش می کند که ضد توحید است و باید گفت که شرک مطلق است، چه انتظاری از وحدت دارید؟ من در صدا و سیما دیدم که علی ابن ابیطالب را به مقام خدایی رساندند. گفت خداوند جهان، وقتی خواست بیافریند با علی ابن ابیطالب مشورت کرد. این حرف را وقتی که می زنید دارید چیزهای کفر آمیز و شرک آمیز می گوئید. دیگر چه انتظاری از وحدت می توانید داشته باشید؟ امام علی(ع) خلیفه شد حرف فدک را نزد. حالا شما بعد از ۱۴۰۰ سال آمدید و این حرف ها را می زنید.

من در بین ترکمن ها عشق به علی و آل علی(ع) را دیدیم. در کل من به نمونه های عملی اعتقاد دارم. متأسفانه ببینید در روز قدس که روز همبستگی جهان اسلام است ما چگونه عمل می کنیم. چرا به همه کسانی که می آیند شعارهای از پیش تعیین شده می دهیم؟ چرا نمی گذاریم هرکس خودجوش شعار خودش را بیاورد؟ لطفاً شعارهای از پیش تعیین شده دست مردم ندهید. بگوئید هرکس شعار دارد مانند همه جای دنیا بردارد و بیاورد. در اروپا در حمایت از فلسطین ۱۵۰ هزار نفر آمده بودند

که هرکسی شعار خودش را داشت وقتی شما شعارهای مشابه ارگانیزه به دست مردم می دهید همه می فهمند که یک برنامه پشت آن است و ارزش خودش را از دست می دهد.

وحدت به نظر من به معنای تغییر مذهب نیست. همچنانکه امام موسی صدر و علامه محمد تقی قمی هم این اعتقاد را داشتند در صورتیکه گاهی ما می گوئیم که مذهب خودت را کنار بگذار و بیا و هم مذهب ما شو، به ما چه ربطی دارد؟ من شاهد بودم که اهل سنت از خوف با پای پیاده به زیارت امام رضا(ع) می آیند، اما وقتی شما به مقدسات همدیگر فحاشی می کنید طبیعی است که عکس العمل ایجاد می کند. من اعتقاد دارم که خود مردم با هم اتحاد دارند و با هم دوست اند و دلتنگ همدیگر می شوند. دشمنی را ما ایجاد می کنیم. برای اینکه وحدت، بیشتر شود توصیه می کنم مانند یک رود خروشان که به راه می افتد باید سنگ های جلوی راه آن برداشته شود و در نهایت در آن صورت وحدت ادامه پیدا می کند که این دشنامی ها، فحاشی ها و... از بین برود.

اگر این سدها برداشته شود مسیر امت اسلامی در مقیاس جهانی طرح می شود. نه تنها شیعه و سنی بلکه همه باید با هم متحد شوند من مسیحیانی را دیدم که بیش از شیعه و سنی برای فلسطین فعالیت می کنند و زندگیشان را در این راه گذاشته اند. اصلاً شیعه و سنی را کنار بگذارید. ما اگر به علی (ع) اعتقاد داریم مگر امام نمی گوید مردم دو دسته اند یا برادران دینی شما نیستند یا هم نوع شما؟ ما اگر به همین اعتقاد داشته باشیم بخش زیادی از مسائل مان برطرف می شود.

واقعاً باید توهین به مقدسات دیگران جرم باشد تا این سنگ ها و موانع از پیش رو برداشته شود. صدا و سیما باید مراقب باشد که چیز های غلو آمیز در مدح یا در عزا و ... به ائمه نسبت ندهند و اساساً این کارها چه لزومی دارد؟ شاید با این کارتان شیعه ساده را افناع کنید، اما انبوه را می رنجانید. نویسندگان و اهل منبر هم این وظیفه را دارند که در این راه گام بردارند و تلاش کنند تا این سنگ ها از مسیر برداشته شوند و اقوام و مردم ما در کنار هم قرار بگیرند و دوستانه با هم و در کنار هم زندگی کنند.

من در اینترنت خواندم که شایع کرده بودند میدان ابن ملجم در غزه وجود دارد. اصلاً همچنین میدانی وجود ندارد یا نمونه های دیگری [از این شایعات] که وجود دارد. به نظرم کسانی که این حرف ها را می زنند نه شیعه اند و نه سنی.

من فکر می کنم که تروریسم یک مسئله جهانی است و در این زمینه من انسان هایی را دیدم که اصلاً عقیده ای به ادیان نداشتند، اما در مورد این مسائل بسیار ناراحت شدند. من در جواب به افرادی که با مقدسات اهل تسنن توهین می کنند، باید بگویم که ما شیعیان در مقابل اهل تسنن چقدر هستیم؟ ما اقلیت در مقابل آنها هستیم و اگر بخواهیم بمانیم چاره ای نداریم که درست رفتار کنیم و مانند ترکمن ها باید عمل کنیم.

اگر بخواهیم در جهان اسلام بمانیم چاره ای نداریم که در کنار این برادران باشیم. اما اگر بگوئیم که ما شیعیان فقط درست هستیم و بهشت هم مال ما است، در دراز مدت باقی نخواهیم ماند. اگر بخواهم یک توصیه دیگر بکنم همانطور که آقای احمدی مزده دادند از اهل تسنن هم دعوت کنیم که آنها هم بیایند و ما میزبان آنها باشیم. من اعتقاد دارم همانطور که ما به دیدار اهل تسنن رفتیم از افراد موثر دعوت کنیم تا آنها هم بیایند و با هم ارتباط برقرار کنیم و این به نظرم گام موثری خواهد بود.

گفتگو از خداداد خادم